

دریچه



همدلی فیلم سینمایی «آواتار ۲» با عنوان «آتش و خاکستر» اکران می‌شود. به نقل از وریایتی، جیمز کامرون کارگردان «آواتار» و بازیگران آن زویی سالدانا و سم ورتینگتون برای نخستین بار عنوان رسمی سومین فیلم «آواتار» را درروز جمعه در نمایشگاه D۲۳ اعلام کردند و گفتند این فیلم با نام «آواتار: آتش و خاکستر» زاهی سینماها خواهد شد.

در حالی که کامرون هیچ بخش از این فیلم را به نمایش نگذاشت، اما گوشه‌ای از هنرهای مفهومی فیلم را به نمایش گذاشت از جمله نیتیری (با بازی سالدانا) که سوار بر یک کشتی هوایی غول‌پیکر است و مردم خاکستر که پوشیده از دوده و مانند ارواح در اطراف یک گودال عظیم آتش در حال چرخیدن هستند.

کامرون گفت: شما پاندورا را بسیار بیشتر و طوری خواهید دید که قبلاً هرگز ندیده بودید. وی همچنین از این فیلم به عنوان یک ماجراجویی جنون‌آمیز و حسنی برای چشم‌ها یاد کرد که بیش از هر زمان دیگری از نظر عاطفی تاثیرگذار است و همه شخصیت‌های محبوب وارد قلمروی چالش‌برانگیز می‌شوند.کامرون «آتش و خاکستر» را هه‌زمان با «آواتار: راه آب» که سالل ۲۲-۲۰ اکران شد و جنگ بین شبریت و ناوی‌ها را پس از بازگشت اداره توسعه منابع به قمر بیگانه پاندورا به تصویر می‌کشید، ساخته است. در پایان «راه آب»، خانواده جیک سالی (ورتینگتون) و نیتیری (سالدانا) با موفقیت در برابر حمله اداره توسعه علیه قبیله آب‌سوزی متکاپنا و تولکون‌های نهنگ مانند که در کنار هم با آرامش زندگی می‌کنند، ایستادگی می‌کنند، اما پسر بزرگ خود را در این نبرد از دست می‌دهند.

داستان «آتش و خاکستر» درباره ماجراهای بعدی است و جیک و نیتیری با مردم خاکستر روبه‌رو می‌شوند که به گفته کامرون بیش از سایر قبیله‌ها به سمت قدرت‌طلبی می‌روند.کامرون گفت در فیلم سوم شخصیت‌های جدیدی وجود دارند که او فکر می‌کند به ویژه یکی از آنها ممکن است با حسایی محبوب مخاطبان شود یا کاملا با نفرت مواجه شود.اونا چایلین بازیگر «بازی تاج و تخت» نقش رهبر مردم خاکستر را بازی می‌کند و دیوید توبلیس و میشل یثو دیگر بازیگران فیلم هستند. علاوه بر ورتینگتون و سالدانا، دیگر بازیگرانی که از قسمت قبل در فیلم حضور دارند شامل سیگورنی ویور، استفن لانگ، کیت وینسلت، کلیف کورتیس، بریتانیا دالتون، جک شمیپون، تربیتی جو لی بلیس، بیلی باس، جوئل دیوید مور، ادی فالکو و دیلیپ راثو می‌شود.فیلمنامه «راه آب» و «آتش و خاکستر» هر ۲ توسط کامرون، ربیک یافا و آماندا سیلور نوشته شده و ابتدا قرار بود یک فیلم واحد باشند، اما کامرون در نهایت تصمیم گرفت داستان را در ۲ فیلم تصویر کند.

کامرون تمام فیلم‌های «آواتار» را با جان لاندو شریک قدیمی خود ساخت. لاندو چندی پیش در ۶۳ سالگی بر اثر سرطان درگذشت و کامرون از وی به عنوان همراهی یاد کرد که نه با به کارگیری قدرت، بلکه با شور و اشتیاق، فیلم‌های بزرگی تولید کرد.او تأکید کرد: من یک دوست عزیز و نزدیکترین همکار ۳۱ سالهام را از دست دادم.

در قالب مرحله حضوری انجام می‌شود
انتشار اسامی راه یافتگان به مرحله نهایی جشنواره موسیقی جوان

همدلی | با پایان دآوری مرحله مقدماتی هفدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان، اسامی راه‌یافتگان به مرحله نهایی از سوی دبیرخانه اعلام شد.

به نقل از روابط عمومی انجمن موسیقی ایران، دبیرخانه جشنواره ملی موسیقی جوان پس از پایان کار هیات‌های تخصصی دآوری مرحله مقدماتی و بررسی ۲ هزار و ۱۱۷ اثر ارسالی، اسامی ۲۸۹ نفر برای راه‌یابی به مرحله نهایی در ۲ بخش «دستگاهی» و «کلاسیک غربی» را اعلام کرد.اسامی برگزیدگان بخش‌های موسیقی نواحی، آهنگسازی، پیانوی ایرانی و ویلن ایرانی به‌دلیل تک‌مرحله‌ای‌بودن این بخش‌ها، در اختتامیه هفدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان هم‌زمان با سایر بخش‌های اعلام می‌شود.در مرحله نهایی بخش‌های «غیررقابتی» محسوب می‌شود.مرحله نهایی این دوره از جشنواره به‌صورت «حضوری» برگزار می‌شود. این در حالی است که هرگونه تغییر احتمالی در روند برگزاری جشنواره از سوی روابط عمومی و سازمانه رسمی جشنواره و سایت انجمن موسیقی ایران اعلام خواهد شد.هفدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان به دبیری حمیدرضا اردلان توسط انجمن موسیقی ایران با حمایت دفتر موسیقی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت حضوری برگزار می‌شود و تاریخ دقیق مرحله دوم متعاقبا اعلام خواهد شد.

ذوق و قریحه من در طنز به ترجمه‌ام نمی‌رسد!

همدلی موسی اسوار ادبیات را سرنوشت خود می‌خواند و رضایت‌مندی‌اش از این سرنوشت در حدی است که می‌گوید اگر خداوند عمر دوپاره‌ای به او بدهد باز همین مسیر را طی خواهد کرد. سرنوشت او با سرودن شعر به عربی شروع می‌شود و با ویراستاری و ترجمه از زبان عربی ادامه پیدا می‌کند و بیشتر از شاعری به ترجمه و ویرایش شهرت پیدا می‌کند. «هاسه و کف و خدایان زمین»، «پیامبر و باغ پیامبر»، «عیسی پسر انسان»، «ستاره‌ها در دست»، «تا سبز شوم از عشق»، «کتاب تا هر وقت که برگردیم»، «از سررود باران تا مزامیر گل سرخ»، «اگر باران نیستی نازتین،درخت باش»، «سایه‌هایی بر پنجره»، «درخت نخل و همسایه‌ها»، «درخت‌ها و قتل مرزوق» و «ادبیات و تاریخ‌نگاری آن» از جمله آثاری است که از موسی اسوار منتشر شده؛ مترجمی که امسال پا به ۷۲ سالگی می‌گذارد.

اسوار مترجمی نام‌آشنا در حوزه زبان عربی است که وسواس بسیار در ویراستاری دارد. معمولا ادبیات عرب یکی از حوزه‌های ادبی است که در جهان نیز مطرح شده است؛ اما در ایران درباره‌اش کم می‌دانیم و همین موضوع و انگیزه شناخت موسی اسوار باعث شده، سراغش برویم و مصاحبه کنیم. مشروح گفت‌وگوی با این مترجم نام‌آشنا در پی می‌آید:

❖در ابتدا می‌خواهم درباره خودتان بگویم؛ متولد چه سالی هستید؟ چه اتفاقی افتاد به سمت ترجمه از زبان عربی رفتید؟

در سوم مرداد ۱۳۲۲ در کربلا به دنیا آمدم. داستان گرایش من به زبان و ادبیات عربی داستان مفصلی است. کلا علقه قلبی‌ام به ادبیات بوده و هست. اگر از من بپرسند، اگر خداوند عمر دوپاره‌ای به شما بدهد، دوباره همین مسیری را که تاکنون طی کرده‌اید، دنبال خواهید کرد و یا در مسیر دیگری پیش خواهید رفت؟ قطعاً می‌گویم همین راهی را که رفته‌ام، دوباره خواهم رفت؛ زیرا هر کسی علایق و ذوقی دارد که بر اساس اقتضانات محیط و میل و تمایلات قلبی و زمینه‌های ارثی شکل می‌گیرد. مجموعه‌ای از عوامل اعم از خصوصیات ارثی و محیط و تحصیلات و عوامل پیرامونی در من اثر گذاشت و من را در این راه قرار داد. این راه را می‌پسندم زیرا متناسب با ذوق و علایق من است.

اما اینکه چرا زبان عربی مورد توجه من قرار گرفت؟ باید بگویم زیست دوگانه‌ای داشتم. متولد کربلا هستم، نوجوانی و تحصیلات ابتدایی‌ام در کشور عراق سپری شد؛ البته کلاس اول را در مدرسه ایرانی‌ها گذراندم و تحصیلاتم را به زبان فارسی شروع کردم؛ اما بعد در مدارس رسمی کشور عراق ادامه تحصیل دادم. سیگنال اول و ابتدای سیگل دوم دبیرستان را هم در آنجا به زبان عربی آموزش دیدم. حسنی که آموزش در عراق داشت این بود که زبان انگلیسی را از دوران ابتدایی شروع می‌کردند و این موضوع در تقویت پایه زبان انگلیسی‌ام مهم بود.

به نظرم محیط و فضای زیست هر کسی، عوامل مساعد و انگیزه‌بخش و یا عوامل ضد انگیزه‌ای و بازدارنده برای ادامه کار ایجاد می‌کند، خوشبختانه این‌بخت و نواخت را داشتم که یکی‌دو دبیر، علاقم را به ادبیات دیدند و مشوق و راهنمای شدند. تأثیر تشویق و راهنمایی آنها در من خیلی زیاد بود.

من از دوره ابتدایی مطالعه را شروع کردم که مطالعاتم به اقتضای سنم سنجیده نبود. پدر و مادرم هم سواد قرآنی داشتند، البته آن‌ها حافظه خوبی هم داشتند. حافظهام را از مادر بزرگ مادری‌ام به‌ ارث برده‌ام؛ حافظه قوی‌ای داشتم. در دوران کودکی‌ام شعر سعدی و مولانا را که در حاشیه سفره قلمکار اصفهان، نقش بسته بود می‌دیدم و مادر بزرگم نیز شعر سعدی و حافظ را تکرار می‌کرد و این‌ها در ذهن من نقش می‌بست و علاقم را به ادبیات تقویت می‌کرد. هرچند در آن زمان مطالعاتم در شعر فارسی اندک بود.

۱۶ سالگی شروع به سرودن شعر عربی کردم، شعر کلاسیک می‌گفتم و بعد سراغ شعر نو رفتم. دبیری داشتم که دستم را گرفت و در این راه خیلی کمک و راهنمایی‌ام کرد، از این نظر خودم را مدیون و وامدار او می‌دانم. علاقه به ادبیات در وجود من نهادینه شد و در دوره دبیرستان گرایش به ادبیات در من تثبیت شد. دیپلمم را در تهران، در دبیرستان «چم قهلک» گرفتم. در همان سال‌های آغاز

فرهنگ و هنر

موسی اسوار؛ مترج، شاعر و نویسنده کهنه‌کار:

ذوق و قریحه من در طنز به ترجمه‌ام نمی‌رسد!



جوانی‌ام، کوشش‌های غیرمعارفی داشتم و سعی می‌کردم با همان بضاعت مالی یک دانش‌آموز، آئونه یکی از مهم‌ترین مجلات ادبی زبان عربی شوم که در لبنان منتشر می‌شد. این کار را هم کردم، البته دشواری‌هایی بود و مجله مرتب نمی‌آمد، ولی همانقدر هم که می‌آمد برای من مغتنم بود.

مطالعاتم در ایران پیوسته بود؛ یعنی از دوره دبیرستان که علاقم به ادبیات تثبیت شد، مطالعاتم در این حوزه به شکل تمام‌وقت بود. رشته تحصیلی‌ام چیز دیگری بود، دبلم طبیعی را گرفتم و باید در دانشگاه سراغ شاخه‌های علوم طبیعی نظیر زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، داروسازی و پزشکی می‌رفتم؛ اما در کتکور سراسری در گروه دیگری ثبت‌نام کردم و در رشته علوم تربیتی پذیرفته شدم.

کارشناسی‌ام در دانشگاه اصفهان بود و کارشناسی ارشدم را در دانشگاه تهران در رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت گذراندم. بعد از فارغ‌التحصیلی از زمینه تحصیلی‌ام منقطع شدم، چون گرایش قلبی‌ام چیز دیگری بود و در آن سال‌ها مطالعاتم در آن زمینه‌ها بود. البته حق مطالعات دانشگاهی را به اقتضای دروس دانشگاهی ادا می‌کردم؛ اما علاقم‌ام به ادبیات مرا به سمت خود کشید و زمینه کاری‌ام متفاوت با زمینه تحصیلی‌ام شد.

زمینه کاری من بیشتر ویرایش بوده است. سال‌های خدمتم در سازمان‌های انتشاراتی بود و من ویراستار، کارشناس کتاب و عضو شورای کتاب بودم. بعدا شورای عالی ویرایش در صدا و سیما تشکیل شد و از بدو تأسیس شورا به مدت ۱۸ سال دبیر شورا بودم و ۶ سال آخر هم ریاست شورا را به عهده گرفتم، مجموعا ۲۴ سال مسئولیت شورای عالی ویرایش را داشتم.

زمینه مطالعاتی‌ام باعث شد تا کار ادبی و خلاقم‌ام، ترجمه در زمینه ادبیات باشد. البته خودم هم دستنی در کارهای ادبی داشتم. شعر کلاسیک و شعر نو می‌گفتم اما به‌عنوان ویراستار و مترجم شناخته‌تر شدم. علایق مطالعاتی‌ام در همین چارچوب و زمینه‌ها بود. البته بعد دیگری هم اضافه شد و وقتم را پر کرد و آن مطالعاتم در زمینه شعر و ادب فارسی بود. به سابقه علاقه خردسالی‌ام، به شعر و ادبیات داستانی و نقد ادبی توجه کردم، ترجمه مترجمان از زبان‌های دیگر و نقدهای ادبی را از نظر می‌گذراندم و مطالعه می‌کردم و مجموعه این عوامل باعث شکل‌گیری شخصیت ادبی من شد.

❖**ادبیات چه چیزی داشت که شما را به سمت خود کشاند…**
اولا در وجود و نهاد آدمی است. همانطور که یک هنرمند به سمت تئاتر و سینما، تدیس‌سازی و نقاشی می‌رود، ادبیات نیز استعداد و علاقه‌ای در وجود آدمی است. در واقع لذت‌های ادبی بود که من را به خود جذب کرد.همانطور که اشاره کردم، من از جوانی به سمت ویراستاری نمی‌رفتم، شاید بیشتر به شعر گرایش پیدا می‌کردم، همچنان حسرت گذشته‌ای نسبت به شعر دارم، به تعبیر فرنگی حسن نوستالژیک. هنوز چیزهایی می‌نویسم و چیزهایی به ذهنم خطور می‌کند. گاه بارقه‌هایی می‌آید.

توصیه‌ام به جوانان و کسانی که می‌خواهند به عرصه تألیف، ترجمه و ویرایش وارد شوند، این است که متون ادبی بخوانند. برخی می‌پرسند چرا متون ادبی بخوانیم، این‌ها مال گذشته است؟ درحالی که این تصور درست نیست. اگر متون گذشته را بخوانید به مرور قریحه شما چنان سرشار می‌شود که اگر قلم روی کاغذ بگذارید، داستان روان می‌شود. تعبیرات بسیاری در متون کهن زبان فارسی داریم؛ در زمان جوانی گاه از برخی تعبیرات متسون که لذت می‌بردم، آن‌ها را در تنهایی با صدای بلند می‌خواندم. لذت می‌بردم که با صدای بلند بخوانم. این لذتی است که ادبیات به من می‌دهد.

❖**از این جهت این سؤال را کردم که در ابتدای سخنان خود گفتید اگر به عقب برگردید، مسیر طی شده را دوباره طی خواهید کرد. اما خیلی دوستتان چنین باوری ندارند. براین جالب شد که ادبیات چه چیزی داشت که شما پای آن ایستاده‌اید و می‌گویید این مسیر را تکرار می‌کنید و شاید سراغ تجربه‌های تازه نروید؟**

هر کسی استعدادی در زمینه‌های دارد. ممکن است در زمینه دیگری بر اثر کوشش هم برایتی هم برسد، اما زمانی که استعداد با علاقه همراه باشد باعث می‌شود به چنین نتیجه‌ای برسد.

زمانی به سینما هم علاقه‌مند بودم، منتهی می‌کردم باید در این زمینه، کاری بنسود و باید این خلأ را ترمیم کنیم. در واقع دیگران هم باید پای کار بیایند و کمک کنند تا عرصه برای زبانی که بیش از هزار سال با آن ارتباط داشتیم و زبان اقلیم دوربور و ماست و روابط مشترک متعددی با فرهنگ ما دارد، خالی نباشد. ترجمه بیشتر وقتم را گرفت و قدری از شاعری فاصله گرفتم.



توصیه‌ام به جوانان و کسانی که می‌خواهند به عرصه تألیف، ترجمه و ویرایش وارد شوند، این است که متون ادبی بخوانند. برخی می‌پرسند چرا متون ادبی بخوانیم، این‌ها مال گذشته است؟ درحالی که این تصور درست نیست. اگر متون گذشته را بخوانید به مرور قریحه شما چنان سرشار می‌شود که اگر قلم روی کاغذ بگذارید، داستان روان می‌شود.

تعبیرات بسیاری در متون کهن زبان فارسی داریم؛ در زمان جوانی گاه از برخی تعبیرات متسون که لذت می‌بردم، آن‌ها را در تنهایی با صدای بلند می‌خواندم. لذت می‌بردم که با صدای بلند بخوانم. این لذتی است که ادبیات به من می‌دهد.

❖**از این جهت این سؤال را کردم که در ابتدای سخنان خود گفتید اگر به عقب برگردید، مسیر طی شده را دوباره طی خواهید کرد. اما خیلی دوستتان چنین باوری ندارند. براین جالب شد که ادبیات چه چیزی داشت که شما پای آن ایستاده‌اید و می‌گویید این مسیر را تکرار می‌کنید و شاید سراغ تجربه‌های تازه نروید؟**

هر کسی استعدادی در زمینه‌های دارد. ممکن است در زمینه دیگری بر اثر کوشش هم برایتی هم برسد، اما زمانی که استعداد با علاقه همراه باشد باعث می‌شود به چنین نتیجه‌ای برسد.

زمانی به سینما هم علاقه‌مند بودم، منتهی می‌کردم باید در این زمینه، کاری بنسود و باید این خلأ را ترمیم کنیم. در واقع دیگران هم باید پای کار بیایند و کمک کنند تا عرصه برای زبانی که بیش از هزار سال با آن ارتباط داشتیم و زبان اقلیم دوربور و ماست و روابط مشترک متعددی با فرهنگ ما دارد، خالی نباشد. ترجمه بیشتر وقتم را گرفت و قدری از شاعری فاصله گرفتم.

البته مرور زمان هم بود. هرچند هنوز هم آن پاره زگار در وجودم هست و گاهی سشره‌ای می‌زند و تابش ولو خفیفی دارد که در جاهای مختلف مثلا محافل خصوصی حاصل آن خواندم می‌شود و گاه دوستان آن را برای چاپ می‌گیرند. شعر در مقطع خاصی اولویتم بود اما در وجودم مطلقا فروکش نکرد.

❖**شما آدم شوخ و اهل مطایبه هستید. بارها در مجالس مختلف مطایبه‌ای مطرح کرده‌اید اما به‌نظر سراغ طنز نرفته‌اید…**

دوستان طنزپرداز داشتم. هوشمندی، نبوغ و خلاقیت ادبی خاصی در طنز می‌بینم و به‌ویژه در طنزنویسان بزرگ. از این منظر به طنز نگاه می‌کنم و برایم جایگاه والایی دارد. مثلا طنز ایرج پزشک‌زاد واقعا بسیار هوشمندانه بوده و ساختار دارد.

البته طنز لایه‌های مختلفی دارد، گاه در خرجه هزل و لودگی می‌افتد که آن را نمی‌نویسم اما طنز نشان از هوشمندی و دید نافذ دارد. طنز عبید زاکانی را در نظر بگیرید، او یکی از هوشمندترین نوادر روزگارش بوده و ترکیبات و ساختارهایی در طنز داشت و در ایجاد موقعیت‌های طنز، نوآوری داشت. او در آن مقطع زمانی موقعیت‌های طنزی آفرید که شاید هنوز هم برای طنزنویسان الگو باشد.

با مرحوم عمران صلاحی محشور بودم و ایشان از دوستان مشترک و دیگران چیزهایی نقل می‌کرد.

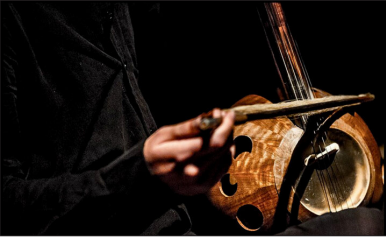
❖**اما از طنز استفاده می‌کنید…**
استفاده می‌کنم ولی صراحتا اعلام می‌کنم قریحه طنزم به ترجمه‌ام نمی‌رسد.آدم باید چارچوب کار، حد و حدود خودش را بداند. معتمد تا زمانی که کاری قابل عرضه نیست، نباید عرضه شود. زمانی که فردی داستان یا زمان می‌نویسد، با اثری را ترجمه می‌کند یا شعری دارد و پاره طنزی می‌نویسد باید خصوصیات حداقلی آن نوع ادبی را داشته باشد.قریحه خود را در ترجمه موفق‌تر از طنز می‌دانم، اگر طنزی هم دارم در گفتار به کار می‌برم نه به صورت اثر ادبی.

تا وقتی معتقد نباشم که اثرم خصوصیت حداقلی طنز را دارد، آن را ارائه نمی‌کنم.

رویداد

«وراهان» منتشر شد

شما شنونده آلبوم «باقرخان» هستید



همدلی آلبوم «وراهان» اثری مستمتر بل بداهه نوازی های آریا طیب‌زاده با کمناچه شش سیم باقر‌خانی است که طی روزهای گذشته در دسترس مخاطبان قرار گرفت. «وراهان» عنوان مجموعه ای جدید با نوازندگی آریا طیب زاده در کمناچه شش سیم باقر‌خانی است که به تازگی توسط نشر ماهور در اختیار مخاطبان و علاقه مندان موسیقی ایرانی قرار داده شده است.

درآمد (دستگاه سه‌گانه)، پیش درآمد دستگاه سه گاه، زایل، مویه، اشاره به قرچه و رضوی، چهارمضرب و فرود (دستگاه سه‌گانه)، ادامه قرچه، ابوعطا و فرود به سه‌گانه (دستگاه سه‌گانه)، مخالف و ضربی مخالف «حیلت‌رها کن عاشقا» (دستگاه سه‌گانه)، ادامه مخالف با حاجی حسنی (دستگاه سه‌گانه)، چهار مضرب مخالف (دستگاه سه‌گانه)، مغلوب و فرود (دستگاه سه‌گانه)، درآمد (آواز افشاری)، بسط جامه‌دران، ضربی و چهارمضرب (آواز افشاری)، راجع افشاری و بیات راجع (آواز افشاری)، ضربی بیات راجع افشاری)، عراق ضربی و نهیب (آواز افشاری)، حزین و فرود (آواز افشاری)، ادامه در عراق و اشاره به بیات ترک (آواز افشاری)، صغیر را،ک ضربی و فرود (آواز افشاری)، ششور (آواز افشاری)، ضربی ششور (آواز افشاری)، درآمد (دستگاه شور)، ضربی شور (دستگاه شور)، رهاب، سلمک –شهنواز، قرچه و فرود (دستگاه شور)، پنج‌ضربی شهنواز، قرچه، رضوی، حسینی و فرود به شور (دستگاه شور)، حسینی با چهارمضرب، ادامه در دشتی (دستگاه شور)، بیات کرد، دشتستانی (کاشانی) و فرود به شور (دستگاه شور)، رنگ نستاری (دستگاه شور) قطعاتی هستند که در این آلبوم گنجانده شده اند.آریا طیب‌زاده در توضیح این آلبوم نوشته است: «وراهان نخستین آلبوم تک نوازی کمناچه شش سیم (باقر‌خانی) است. اولین اثر ضبط شده این نوع کمناچه نواخته‌های باقرخان رامشگر در اواخر دوره قاجار طی همراهی با خوانندگانی چون اقبال آذر، سیداحمدخان، آقاغلام، علی‌خان نایب‌السلطنه، رضاقلی‌خان نوروزی و نوازگندی همچون میرزا حسینعلی بوده است.مشهور است که باقرخان کمناچه شش سیم را از استادش موسی‌خان کاشی گرفته بوده و پس از باقرخان رامشگر، این ساز هرگز در موسیقی سنتی (کلاسیک) ایرانی مگر در بعضی اجراهای پژوهشی برای بازیاری شبوه باقرخان به کار گرفته نشد. در آلبوم حاضر، کوشیده شده است تا توانمندی و امکانات این ساز در بیان لحن امروزی موسیقی سنتی ایرانی نشان داده‌شود. از این‌رو، بنده، ضمن تأثیرپذیری از باقر خان، سعی کرده‌ام تا شیوه‌ای متفاوت و با وضعیت امروز موسیقی سنتی ایرانی در طنز نوازندگی و شبوه کوک این ساز به کار گیرم.»

ایتالیایی‌ها به انیمیشن «غمه‌برگ‌ها» جایزه‌دارند

همدلی | انیمیشن کوتاه «غمه‌برگ‌ها»، محصول مشترک ایران و ارمنستان از دوازدهمین جشنواره فیلم آریانو-سویز جایزه گرفت.به نقل از روابط عمومی استودیو هورخش، «غمه‌برگ‌ها» (The Song of Flying Leaves) محصول مشترک استودیو هورخش و استودیو ارمنستانای هوشکی فیلم، از دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم آریانو جایزه بهترین انیمیشن را دریافت کرد.این انیمیشن کوتاه در تور جشنواره‌ای خود در طول ۲ سال گذشته موفق به حضور در بیش از ۵۰ جشنواره بین‌المللی و سقف ۱۳ عنوان جایزه شده است.

انیمیشن کوتاه «غمه‌برگ‌ها» در کنار جایزه جشنواره فیلم آریانو، ۱۲ جایزه دیگر شامل زرالدولی طلایی، جایزه بهترین فیلم کوتاه و جایزه گنبدی ملکوینان از جشنواره بین‌المللی زرالدو طلایی ارمنستان، جایزه بهترین انیمیشن کوتاه از جشنواره فیلم رولان (IFF) برای کودکان و جوانان ارمنستان، ۲ جایزه‌انیمیشن شعله طلایی و جایزه تولیدکنندگان از جشنواره فیلم فانوس نور (ICFF) استرالیا، جایزه بزرگ افتخاری جشنواره بین‌المللی انیمیشن آسیا پرو، دیپلم افتخار از جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه کوروتو لاوره ایتالیا، دیپلم افتخار جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه مکزیک، دیپلم افتخار جشنواره بین‌المللی زبان خوشبایندرمنستان، جایزه ویژه جشنواره بین‌المللی فیلم جوانان تانوبا گرجستان، جایزه تماشاگران جشنواره بین‌المللی فیلم انیمیشن پاریس (PIAFF)، جایزه بهترین انیمیشن کوتاه از جشنواره بین‌المللی فیلم زنان بیروت و جایزه بهترین انیمیشن از آکادمی ملی فیلم ارمنستان (ناهیت) را به دست آورده است.

همکاری مشترک برای ساخت این انیمیشن به دلیل علاقه‌مندی کارگردان ارمنی آن، آرمینه آندا به سینمای شاعرانه عباس کیارستمی شکل گرفت.علاقه‌ای که به کمک اشکان رهگذر و آرمان رهگذر، تهیه‌کنندگان ایرانی استودیو هورخش در انیمیشن «غمه‌برگ‌ها» نمود دیگری از سینمای شاعرانه را پیدا کرد.فیلمنامه انیمیشن کوتاه «غمه‌برگ‌ها»(The Song of Flying Leaves) توسط رومن بالاین، کارگردان معروف ارمنی به‌نگارش درآمده‌است.انیمیشن کوتاه «غمه‌برگ‌ها» در ۱۲ دقیقه و با تکنیک دو بعدی ساخته شده است؛ این انیمیشن درباره دختری ۱۲ ساله به نام سوناست که در جنگل زندگی می‌کند و در میان برگ‌ها می‌خوابد. او در جنگل با پیرمردی آشنا می‌شود که به‌او پیشنهاد می‌دهد تا یک دانش مخفی را یاد بگیرد. آندا این انیمیشن را به پدر خود تقدیم کرده است.